



حسین قلی‌پور
پژوهشگر ترانه

اگر بناست چهار رسالت برای هنرمند در هر عصری برشماریم، رسالت اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی و هنری سزاوار انتخاب هستند. کارنامه هر هنرمند فارغ از شعارهای ایدئولوژی زده میانگینی از تلاش‌اش در راستای این چهار رسالت است. جنتی عطایی در دوره نخست فعالیت خود (دهه‌های ۴۰ و ۵۰) تبلوری از توجه به این چهار رسالت است.

ترانه نوین در تمامیت خود اتفاقی است زبانی در تاریخ ترانه ایران‌زمین. به تعبیر سعید کریمی: «استراتژی زبان در ترانه نوین به‌گونه‌ای است که از یک‌سو می‌کوشد با بهره‌گیری از تمام امکانات موجود در زبان عامیانه صمیمی و دور از تکلف زبان معیار با مخاطب ارتباط برقرار کند و ازسویی دیگر به گسترش و بسط فرهنگ واژگانی در ترانه می‌اندیشد و در این رهگذار به وجهه ادبی آثار نیز توجه می‌کند.» (۱) ایرج جنتی عطایی در این معنا نماینده بسیار موجهی برای جریان ترانه نوین است.

اگر چه گواه اسناد مکتوب آثار ایرج جنتی عطایی را عمدتاً از سال ۱۳۴۶ به بعد ثبت نموده، اما آن‌چنان که خود جنتی عطایی در مصاحبه با یغما گلرویی می‌گوید، نخستین ترانه‌های ایرج را باید در سال‌های ۱۳۴۲ و ۱۳۴۳ و در همکاری با میلاد کبابی و سلیمان اکبری جست‌وجو کرد. آثاری مانند جوانی و شکوه. (۲) آثاری که هنوز از نظام تصنیف‌نویسی دهه‌های ابتدایی قرن جدید جدا نشده‌اند و البته سبک غالب عمده آثار سال‌های ابتدایی ایرج را در بر می‌گیرند. او در این سبک ادامه‌دهنده تفکر تورج نگهبان، بیژن ترقی و... است.

عشق به دیگر طرز و سخن! باید گفت که گفت‌مان مسلط دهه نخست فعالیت ایرج جنتی عطایی معطوف به بیان‌مندی او درباره رابطه عاشق- معشوق است. اگرچه کم‌کم در همین دهه آنچه از تفاوت شعر و ترانه در ذهن دارد، پیاده می‌کند: «به‌نظرمن یکی از

مقدمات ایرج‌شدن

از تصنیف‌سرایی دهه ۱۳۴۰ تا پیوستن به ترانه نوین دهه ۱۳۵۰

وجوه مهم تفاوت ترانه با شعر، خاصیت زمزمه‌پذیر بودنش است». (۳) و «هیچ‌کس نمی‌تواند به شاعر بگوید با زبان خودت فکر کن اما وقتی می‌خواهی این فکر را روی کاغذ بیاوری آن را به زبان کتابی ترجمه کن.» (۴)

دریغ‌ا که دستان ما / جدا مانده از هم/ دریغ‌ا که در چشم ما/ شکفته گل غم (مرغان غمگین، ۱۳۴۹)

به شهر کشاندن اعتراض اما از چندسو همزمان صورت می‌گیرد. هم آشنایی با ترانه و موسیقی جهان، هم ارث بردن از تاریخ ادبیات عامیانه ایران. این‌جاست که پیوستن به استودیو طنین کارستان می‌کند و دهه دوم فعالیت ایرج به بازتاب رنج و ظلمی که می‌رفت و می‌دید می‌گذرد. ایرج به‌خوبی دریافته بود موقعیتی که در ترانه خلق شده برای بازتاب این رنج یکتاست و این رسانه در انتقال آگاهی به توده جامعه بسیار اثربخش و کاری است. این شعور در کنار شعر البته زیباست؛ جایی که دریافته بود: «من منظوم کلمه نیست، چون کلمه به خودی خود هیچ چیزی را نمی‌سازد و این روابط کلمات هستند که یک ترانه را خلق می‌کنند.» پس نیاز بود هم در محور جانشینی، هم در محور هم‌نشینی جادویی متناسب با زمانه در کلام بیافریند که بعد از همراهی با موسیقی دل‌نشین و زمزمه‌پذیر شود.

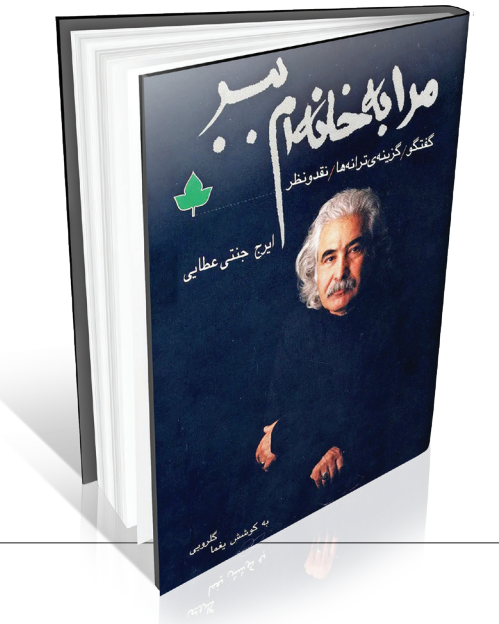
آخه آدم غم‌شو به کی بگه؟ / قصه ماتم‌شو به کی بگه؟ (آخه آدم غم‌شو به کی بگه؟ ۱۳۵۰)

این‌جاست که قصه‌گوی شهر پیر، هم عشق را بر بستر اجتماع درک و بساز می‌نماید، هم تاریکی را هدف می‌گیرد و چراغ بر ظلم و ظلمات می‌تاباند. از ترانه‌هایی چون «تو دروغاتم قشنگه» که ورد زبان مردم می‌شود عبور کنیم، به ترانه درخشان «شرقی غمگین» می‌رسیم که براساس یک ملودی یونانی نوشته شده و فریدون فرخزاد اجرا کرده است. این کار یعنی کلام گذاشتن روی ملودی‌های خوش‌صدای غربی مدت‌ها بود که بعد از آشنایی ایرانی‌ها با موسیقی غرب متداول شده بود و پیش از این کار خود ایرج هم، دیگر هم‌نسلانش بارها ترانه‌هایی شنیدنی با این روش خلق کرده‌اند: ای شرقی غمگین/ تو مثل کوه نوری/ نذار خورشیدمون بمیره! (شرقی غمگین، ۱۳۵۲)

پایانه پریشان‌شدگی

نگاهی به ترانه‌سرایی ایرج جنتی عطایی در ۱۵ سال گذشته

امکان ارتباط با ترانه‌سرایان پیشکسوتی بود که اکثرأ در ایران زندگی نمی‌کردند و تا پیش از آن ارتباط مستقیم با مخاطبان یا علاقه‌مندان خود را تجربه نکرده بودند. طبیعتاً یکی از این چهره‌های موردتوجه و اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم، موردتوجه‌ترین چهره در بین این ترانه‌سرایان، ایرج جنتی عطایی بود. خلق‌وحوی خاص شهیار قنبری و گوشه‌گیری اردلان سرفراز باعث شده بود جنتی عطایی بین آنچه مثلث ترانه نوین نامیده می‌شد، یکه‌تاز باشد. یغما گلرویی در این سال‌ها کتاب «مرا به خانه‌ام ببر» را منتشر کرد که علاوه بر گزیده‌ای از ترانه‌های جنتی عطایی، گفت‌وگویی با او و نیز نقد و نظر درباره این ترانه‌سرا و آثارش را در بر می‌گرفت. در همین حوالی وب‌سایتی با عنوان «گل سرخ ترانه» شکل گرفت که به‌طور اختصاصی به ایرج جنتی عطایی اختصاص داشت و با مطالبی درباره‌ی آثار او به‌روز می‌شد. علاوه بر این‌ها جشن بزرگداشتی نیز برای این ترانه‌سرا برگزار شد که با پیام صوتی او و حضور بابک بیات همراه بود.



نگاه منتقد / ۲

۷ دو ترانه «جنگل» و «علی کنکوری» در تابستان ۱۳۵۲ مسیر ترانه‌های سیاسی - اجتماعی ایرج را ادامه می‌دهند و پیوند ترانه روز ایران را با اتفاقات خیابان مستحکم‌تر می‌کنند. این مسیر در پنج سال آینده هیچ‌گاه از قدرت ترانه‌های عاشقانه ایرج کم نمی‌کند. کارهای درخشانی نظیر «همسفر»، «قصه گل و تگرگ»، «سایه»، «خاتون» و «پوست شیر» (۱۳۵۴) گواهی بر این مدعا هستند. تصویرسازی خیلی دور، خیلی نزدیک ایرج، هم کلامی باورپذیر و ملموس برای ایرانی دهه ۵۰ خلق می‌کند و به سرعت میان جوانان محبوب می‌شود و هم در عین حال وفادار به بلاغت تصویر سنت شاعری ایرانی است. این موضوع در ترانه «پل» در سال ۱۳۵۵ به اوج خود می‌رسد: تو رو می‌شناسم ای شب‌گرد عاشق! / تو با اسم شب من آشنایی / از اندوه تو و چشم تو پیداست / که از ایل و تبار عاشقایی. (پل، ۱۳۵۵)

۸ از ایرج دهه ۵۰ نمی‌توان گفت مگر با خطی پررنگ کشیدن زیر ترانه «ماه‌پیشونی». ایرج حداقل در سه ترانه «ماه‌پیشونی»، «مرد من» و «آشپز خونه» کوشیده دغدغه‌های عاشقانه و اجتماعی را از منظر زن‌انگی بیان کند. «ماه‌پیشونی» به‌طور مشخص پیوندی است‌ناگسستگی میان ادبیات عامیانه و ترانه نوین. به‌روشنی در این ترانه طرحی از دو نگاه به عشق و جانب‌داری از یکی، بر رسالت اجتماعی ترانه تأکید می‌کند. اگر بخواهیم درخصوص «ترانه عاشقانه در بستر فضای اجتماعی» سخن بگوییم کافی است بارها و بارها روایت «ماه‌پیشونی» را بازخوانی کنیم: از خواب قصه بلند شو! / اسب چوبیت ورها کن! / ماه‌پیشونی مال قصه‌س! / مرد من! منوصدا کن! (ماه‌پیشونی، ۱۳۵۵)

۹ شکل‌گیری موج نوی سینمای ایران در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ یکی از مهم‌ترین بسترهای ارانه ترانه نوین بوده و تأثیرگذارترین ترانه‌سرایان آن زمانه هرکدام ترانه‌هایی شنیدنی در متن فیلم‌ها دارند. از این منظر باید گفت ترانه‌هایی چون «پوست شیر» (فیلم ذبیح)، «همسفر» (فیلم همسفر)، «فریاد زیر آب» (فیلم فریاد زیر آب) و... نیز بخش مهمی از کارنامه ایرج‌اند که در بستر فیلم‌های مهم آن دهه شکل گرفته‌اند.

۱۰ تمام آن چه گفتیم مقدمه‌ای بود برای روای کلماتی جسور که تا آخرین روزها تنها فکر یک سقف ساده برای زیستی شریف و آگاه بود اما دریغ که در پاییز خانه سرخ چاره برای پرنده مهاجر تنها رفتن بود و رفتن.

- ۱- جریان‌شناسی موسیقی مردم‌پسند ایران، سعید کریمی، نشر ماهریس، ص ۲۲۷
- ۲- مرا به خانه‌ام ببر، به کوشش یغما گلرویی، نشر دارینوش، سال ۱۳۸۴، صفحه ۲۱
- ۳- جوانان، ۲۹ آبان‌ماه ۱۳۵۱
- ۴- هفته‌نامه اطلاعات بانوان، ۳۰ مردادماه ۱۳۵۳

نگاه منتقد / ۳

۳ ایرج جنتی عطایی که از سال ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۸۵ در عین پرکاری روان‌ترین، منسجم‌ترین و بی‌غلط‌ترین ترانه‌های پر مخاطب موسیقی پاپ ایران را نوشته بود، با انتشار آلبوم «معجزه خاموش» / داریوش، اولین ضربه را به ما (مخاطبان جدی و کارورزان ترانه) وارد کرد. چهار ترانه جنتی عطایی در این آلبوم مثل آب سردی بود که بر سر داغ ما ریخته باشند. «آواز پری‌ها» ترانه تازه‌ی او بود یا چارپاره‌ای از دفترهای نوجوانی فروغ؟ «دل‌تنگم» و «ساعت شوم» اصلاً چه می‌گفتند؟ و چرا؟ تنها خود ترانه «معجزه خاموش» بود که سوسوی امیدی را در دل‌های مان روشن نگه می‌داشت. شعله کم‌سویی که البته در سال ۱۳۸۹ و با انتشار دو آلبوم «موسیقی و من» /بیژن مرتضوی و «طعم رویا» /مهرداد آسمانی، دود شد و به هوا رفت!

۴ اسم بخش نقد و نظر کتاب «مرا به خانه‌ام ببر» را می‌شد گذاشت: بخش ستایشنامه. مطالب سایت «گل سرخ ترانه» هم تفاوت چندانی نداشت. من و دوستانم نوشته‌های زیادی تولید کردیم که در آن‌ها نشان دادیم «ایرج جنتی عطایی چرا و چگونه این قدر خوب است»! در این دوران تنها یک نقد را به آثار جنتی عطایی وارد می‌دانستیم. یاد نیست که چنین نقدی مکتوب هم شد یا فقط در گفت‌وگوهای اینترنتی و تلفنی به شاعر منتقل شد. به‌هر حال حرف‌مان این بود که چه خوب می‌شود اگر استاد در ترانه‌هایش دری به مفاهیم تازه و واژه‌های متفاوت و استفاده‌نشده باز کند و رنگ‌وبویی امروزی‌تر به آثارش ببخشد. از کجا می‌دانستیم که در سال ۱۴۰۲ ممکن است به این‌جا برسیم: بعد امشب چه ضجه‌شنه‌گیه / توی تقویم مردگی مردن /

به کجا می‌رسیم از این مچالگی / رو به بانک و حواله خط خوردن. در ۱۵ سال گذشته ترانه‌های جنتی عطایی روزه‌روز از واژه‌سازی و واژه‌بازی پر و پرتر شده و پیچیده‌واری و دشوار‌گویی به‌شکل مؤلفه آثار تازه او رآمده‌اند. هرچند پای «آمیولانس» و «اما گولیا» به ترانه او باز شد اما کشف و عاطفه از دری دیگر بیرون رفتند. ترانه‌سرا از یاد برد که اثری برای شنیده‌شدن همراه با موسیقی، آن هم موسیقی پاپ تولید می‌کند و سادگی و سراسازی لوازم کار او هستند. البته منظوم این نیست که اگر آثار اخیر جنتی عطایی قرار بود همچون شکل سنتی شعر، روی کاغذ خوانده شود در سر هم کردن معنادار آن موفق‌تر می‌بودیم و از نتیجه بیشتر لذت می‌بردیم: توی این سرزمین منتشر / تورگ پیر شب رو به زجر و زخم و کارتن خوابی / بچه‌ها ارتش فقر و رنج و زدگی / غم‌نامه بی‌گذشته بی‌آینده / کودکان کار رو به بن‌بست حراج زندگی / رج به رج کنار هم گم و طرد و در به‌در / هدف منفعت حراج غم.

سینمای جهان

«اوپنهایمر» برنده ۵ جایزه گلدن گلوب

در جریان هشتادویکمین دوره جوایز گلدن گلوب که شامگاه یکشنبه، ۱۷ دی‌ماه (۷ ژانویه ۲۰۲۴) در هتل هیلتون لس‌آنجلس برگزار شد، فیلم «اوپنهایمر» و سریال تلویزیونی «وراثت»، به‌بیشترین جوایز دست یافتند.

هشتادویکمین دوره جوایز گلدن گلوب در حالی برگزار شد که در هشتادمین دوره این جوایز در سال ۲۰۲۳ انجمن مطبوعات خارجی هالیوود ۱۲۸ روزنامه‌نگار را برای پیوستن به هیئت‌رأی‌دهی این جوایز به شمار اعضای خود افزود. جوایز گلدن گلوب هر سال از سوی «انجمن رسانه‌های خارجی هالیوود» برگزار می‌شود و در سال ۲۰۲۰ روزنامه لس‌آنجلس تایمز فاش کرد که در میان رأی‌دهندگان این انجمن هیچ فرد سیاهپوستی حضور ندارد. پس از آن نیز گزارش‌هایی درباره فسادوتیانی برگزارکنندگان گلدن گلوب باصحابان برخی فیلم‌ها منتشر شد. درنهایت به‌گفته هلن هونی، مدیر جدید انجمن رسانه‌های خارجی هالیوود، در فهرست رأی‌دهندگان این جوایز تغییریاتی ایجاد شد و در حال حاضر ۳۰۰ رأی‌دهنده این جوایز از ۷۵ کشور مختلف هستند.

در جریان هشتادویکمین دوره جوایز گلدن گلوب، «اوپنهایمر» به کارگردانی کریستوفر نولان، بادریافت پنج جایزه از جمله در رشته‌های بهترین فیلم درام و بهترین کارگردانی موفق‌ترین فیلم سینمایی این دوره شناخته شد. کیلیان مورفی، رابرت داونی جونیور و لودویگ گورانسون نیز به‌خاطر فیلم «اوپنهایمر» به‌ترتیب به جوایز بهترین بازیگر مرد درام، بهترین بازیگر نقش مکمل مرد و بهترین موسیقی متن دست یافتند. جایزه بهترین فیلمنامه نیز به نویسندگان فیلم فرانسوی «آناتومی یک سقوط»، رسید. فیلم «باربی» اما به‌رغم نامزدی در ۹ رشته تنها دو جایزه از این دوره گلدن گلوب به‌دست آورد. همچنین سریال «وراثت»، محصول اچ‌بی‌ی او به‌عنوان بهترین سریال درام معرفی شدو جوایز بهترین بازیگر مرد درام، زن درام و نقش مکمل مرد را نیز از آن خود کرد. این مراسم در ایالات‌متحده برای بار نخست از زمان مراسم در سال ۱۹۸۲، به‌وسیله سی‌بی‌اس به‌صورت زنده پخش شد و جو کوی، مجری این مراسم بود.

در فهرست برندگان و نامزدهای بخش سینمایی هشتادویکمین دوره جوایز گلدن گلوب در بخش «بهترین فیلم درام»، نامزدها عبارت بودند از: «اوپنهایمر»، «قاتلان ماه کامل»، «هایسترو»، «منطقه مورد علاقه» و «آناتومی یک سقوط» و برنده «اوپنهایمر». در بخش «بهترین فیلم کمدی یا موزیکال»، «بیچارگان»، «باربی»، «داستان آمریکایی»، «می دسامبر» و «ایر» نامزد شدند و «بیچارگان» برگزیده شد. نامزدهای «بهترین انیمیشن بلند»، عبارت از «پسر و مرغ ماهی‌خوار»، «مرد عنکبوتی میان دنیای عنکبوتی»، «برادران سوپر ماریو»، «سوزومی» و «آرزو» بودند و برگزیده «پسر و مرغ ماهی‌خوار» بود. در بخش «بهترین فیلم غیرانگلیسی‌زبان»، «آناتومی یک سقوط» از فرانسه، «برگ‌های افتاده» از فنلاند، «من کاپیتان هستم» از ایتالیا، «زندگی‌های گذشته» از آمریکا، «جامعه برف» از اسپانیا و «منطقه مورد علاقه» از انگلستان نامزد شدند و «آناتومی یک سقوط» از فرانسه برگزیده شد. برگزیده بخش بهترین کارگردانی، کریستوفر نولان برای «اوپنهایمر»، بهترین فیلمنامه، ژوستین تریه و آرتوهراری برای «آناتومی یک سقوط»، بهترین موسیقی متن، لودویگ گورانسون برای «اوپنهایمر»، بهترین بازیگر نقش اول مرد در فیلم درام کیلیس مورفی برای «اوپنهایمر»، بهترین بازیگر نقش اول زن در فیلم درام لیلی گلداستون برای «قاتلان ماه کامل»، بهترین بازیگر نقش مکمل مرد، رابرت داونی جونیور برای «اوپنهایمر»، بهترین بازیگر نقش مکمل زن، داولین جوی ردالف برای «جاماندگان»، بهترین بازیگر نقش اول مرد در فیلم کمدی یا موزیکال پل جیاماتی برای «جاماندگان» و بهترین بازیگر نقش اول زن در فیلم کمدی یا موزیکال، اما استون برای «بیچارگان» بودند. در فهرست برندگان گلدن گلوب ۲۰۲۴ در بخش تلویزیونی، «وراثت» بهترین سریال تلویزیونی درام، «خرس» بهترین سریال تلویزیونی کمدی یا موزیکال، استیون‌بین برای «خرس» بهترین بازیگر نقش اول در مینی‌سریال یا فیلم تلویزیونی، بهترین جرمی آلن وایت برای «خرس» بازیگر نقش اول مردسریال تلویزیونی کمدی یا موزیکال، الی وائلی برای «گوشت» بهترین بازیگر نقش اول زن در مینی‌سریال یا فیلم تلویزیونی، الیزابت دیبکی برای «اتاج» بهترین بازیگر نقش مکمل زن سریال تلویزیونی، «گوشت» بهترین مینی‌سریال یا فیلم تلویزیونی، آبو ادیبری برای «خرس» بهترین بازیگر نقش اول زن سریال تلویزیونی کمدی یا موزیکال، متیو مک‌فادین برای «وراثت» بهترین بازیگر نقش مکمل مرد سریال تلویزیونی و کایرن کولکین برای «وراثت» بهترین بازیگر نقش اول مردسریال تلویزیونی درام شدند.

